

ضرب‌المثلهای تعلیمی و تربیتی شهرستان کاشمر

حمید زنده دل، رضا مهربان قزلحصار*، جواد مهربان قزلحصار

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

سال هفدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۶، صص ۶۰-۴۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7640>

نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ضرب‌المثلهای جزئی از ادبیات شفاهی هستند که در هر زبان و فرهنگی گفته و شنیده میشوند؛ اما موضوعات دربرگیرنده ضرب‌المثلهای از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت بوده و بیانگر مسائل مورد علاقه یا انزجار مردم آن جامعه و در واقع انعکاسی از فرهنگ اصیل و شایع هر جامعه است. این پژوهش قصد دارد با هدف آشنایی بیشتر با فرهنگ عامیانه مردم کاشمر، برخی از رایجترین ضرب‌المثلهای این شهرستان را از نظر محتوای تعلیمی و تربیتی مورد بررسی قرار دهد.

روش مطالعه: در این پژوهش تا جایی که امکانپذیر بوده است امثال بصورت میدانی گردآوری شده‌اند و مرحله بعدی تحقیق و پژوهش در فضای کتابخانه انجام گرفته و از منابع مکتوب استفاده شده است. برای انتقال صحیح تلفظ واژه‌ها و اصطلاحات گویشی، از الفبای متداول بین شرقشناسان (البته بشکلی ساده‌تر) استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش مؤید آنند که شکل غالب ارزشهای مورد توجه مردم کاشمر که در ضرب‌المثلهای بازنمود شده‌اند در چهار سطح اخلاق اجتماعی و فردی، مسائل و مضامین اقتصادی، آموزه‌های منفی اخلاقی، و ضرب‌المثلهایی با بار معنایی ناامیدکننده و اعتراض‌آمیز قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق بیانگر بازنمود نوعی منش اجتماعی است که به تساهل و تاب‌آوری، دیگرخواهی، نکوهش فریبکاری و ریاکاری، نکوهش ظاهرپرستی و مدعیگری، اتکا به نفس و خودباوری، صبر و عدم شتابزدگی، تأمل در سخن گفتن، حیا و خویشتنداری باورمند است. در زمینه مسائل اقتصادی نیز دو موضوع اهمیت تلاش و کار، و نکوهش فقر بیش از همه به چشم می‌خورد. آموزه‌های منفی نیز به دو دسته اصلی تأکید بر خودخواهی و منفعت‌طلبی، و گلاویه و انتقاد از وابستگان تقسیم میشود. لازم به ذکر است فضای اغلب این ضرب‌المثلهای مثبت، شاد و امیدبخش نیست که بررسی علت و ریشه‌های آن به پژوهشهای جامعه‌شناسانه و روانشناسانه نیازمند است.

تاریخ دریافت: ۱۵ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۱۶ تیر ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۳۰ تیر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۷ شهریور ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

ضرب‌المثل، فرهنگ، اجتماع، مفاهیم
تعلیمی و تربیتی، شهرستان کاشمر

* نویسنده مسئول:

✉ Rezamehraban16@gmail.com

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Educational and educational proverbs of Kashmer city

H. Zinda Del, R. Mehraban Ghazalhassar*, J. Mehraban Ghazalhassar

Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 04 June 2024

Reviewed: 06 July 2024

Revised: 20 July 2024

Accepted: 07 September 2024

KEYWORDS

Proverbs, culture, community, concepts Education and training, Kashmar city

*Corresponding Author

✉ Rezamehraban16@gmail.com

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: proverbs are a part of oral literature that are said and heard in every language and culture; However, the subjects of proverbs are different from one society to another and express the interest or disgust of the people of that society and in fact reflect the original and common culture of each society. This research aims to study some of the most common proverbs of this city in terms of educational and educational content, with the aim of getting to know more about the folk culture of the people of Kashmir.

METHODOLOGY: In this research, as far as possible, examples were collected in the field, and the next stage of research was conducted in the library and written sources were used. In order to convey the correct pronunciation of words and dialect terms, the common alphabet among orientalist (albeit in a simpler form) has been used.

FINDINGS: The findings of the research confirm that the dominant form of the values of the people of Kashmir, which are represented in proverbs, can be examined in four levels: social and individual ethics, economic issues and themes, negative moral teachings, and proverbs with a disappointing and objectionable meaning.

CONCLUSION: The results of the research show the representation of a kind of social character that believes in tolerance and resilience, altruism, condemnation of deception and hypocrisy, condemnation of appearance and self-reliance, self-reliance and self-confidence, patience and lack of haste, reflection on speaking, modesty and self-restraint. In the field of economic issues, the two issues of importance of effort and work, and condemnation of poverty are most visible. Negative teachings are also divided into two main categories emphasizing selfishness and self-interest, and complaining and criticizing dependents. It should be noted that the atmosphere of most of these proverbs is not positive, happy and hopeful, which requires sociological and psychological researches to investigate its causes and roots.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7640>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 11	 0	 0

مقدمه

ادبیات شفاهی یا عامه از شاخه‌های مهم دانش عوام یا فولکلور به شمار میرود که خود شامل مجموعه‌ای عظیم از ترانه‌ها، قصه‌ها، اساطیر، متلها و ضرب‌المثلها میشود. مثل بعنوان «ستون فرهنگ مردم» و یکی از اقسام ادبی همواره محل توجه عامه مردم و حتی ادیبان بوده است؛ تا جایی که کاربرد آن به همراه تمثیل و استشهاد، یکی از ویژگیهای سبکی در تاریخ ادب فارسی به شمار می‌آمده است (ذوالفقاری و طباطبایی، ۱۳۹۴: ۵۷).

ضرب‌المثل در گستره ادبیات از نقش و جایگاه والایی برخوردار است؛ بطوریکه ارزش و اهمیت علمی و تاریخی آن از کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها کمتر نیست. از ویژگیهای ضرب‌المثلها مجهول‌المؤلف بودن، انتقال شفاهی از نسلی به نسل دیگر و مجهول بودن خاستگاه آنهاست. از آنجا که شکلگیری ضرب‌المثلها هیچگونه پشتوانه منطقی و علمی ندارد، هرچه افراد جامعه از مراحل رفتارهای سنتی و غیرمنطقی بسمت رفتارهای منطقی و حساب‌شده‌تر متمایل میشوند، از رواج امثال و حکم کاسته میشود و افراد در تأیید یا نفی امری کمتر به ضرب‌المثلها استناد میکنند؛ زیرا در اثبات یا رد موضوع مورد نظر خود بهتر و بیشتر میتوانند از استدلال منطقی استفاده کنند (معصومی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۱).

در زندگی تمامی اقشار جامعه، اعم از عامی و تحصیلکرده، کارکرد ضرب‌المثل همچون آینه‌ای است که ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی جامعه را نشان میدهد. در مجموع میتوان گفت ضرب‌المثلها پنجره‌ای بسوی فرهنگ هستند. زرینکوب معتقد است مسئله اساسی در فرهنگ عامه ویژگی اجتماعی آن است نه ویژگی هنری؛ چراکه اعتبار ادبیات عامیانه به جنبه‌های هنری و زیبایی شناسی آن نیست بلکه اعتبارش را از پیوند با جامعه و واقعیت اخذ میکند و اساساً ادب عامه چون ادامه کار و فعالیت زندگی مردم است معمولاً جنبه تجملی ندارد و ساده و بی‌پیرایه است؛ چراکه بجز بیان مطلب غرض دیگری ندارد و از طرف دیگر اگر دشوار باشد بر زبانها جاری نمیرود (زرینکوب، ۱۳۵۷: ۲۴۵).

شهرستان کاشمر دارای دو منطقه کوهستانی کوهسرخ در شمال و ارتفاعات فغان بجستان در جنوب و منطقه‌ای کویری و خشک در غرب و جنوب و جلگه‌ای حاصلخیز در محدوده حومه شهر و قصبات آن میباشد. اکثر ضرب‌المثلهای مذکور در این جستان، در بسیاری از مناطق و شهرهای یاد شده مشترک است. فرهنگ ایرانی و بتبع آن فرهنگ کاشمر، فرهنگی است که قرن‌ها تجربه، دانش، خرد، سنت و آداب مخصوصی را پشت سر گذاشته است که آن را از فرهنگ سایر اقوام و ملل متمایز میسازد. ضرب‌المثلهای رایج در شهرستان کاشمر، که برای پند و نصیحت یا بیان دیدگاههای اجتماعی و سیاسی مردم به کار میرود، محصول تجربه‌ها، دانش و آرزوهای اجتماعی و تاریخی مردم این نواحی و مناطق مجاور آن است. در این راستا پژوهش حاضر در صدد بررسی و تحلیل محتوای آن دسته از ضرب‌المثلهای شهرستان کاشمر است که متضمن مفاهیم تعلیمی و تربیتی است.

روش مطالعه

در این پژوهش تا جایی که امکانپذیر بوده است امثال بصورت میدانی گردآوری شده‌اند و مرحله بعدی تحقیق و پژوهش بصورت کتابخانه‌ای انجام گرفته و از منابع مکتوب استفاده شده است. برای انتقال صحیح تلفظ واژه‌ها و اصطلاحات گویشی، از الفبای متداول بین شرقشناسان (البته بشکلی ساده‌تر) به شرح زیر استفاده شده است:

صامت‌ها: (a) ب (b)، پ (p)، ت (t)، ث (s)، ج (j)، چ (č)، ح (h)، خ (x)، د (d)، ذ (z)، ر (r)، ز (z)، ژ (ž)، س (s)، ش (š)، ص (s)، ض (z)، ط (t)، ظ (z)، ع (a)، غ (g)، ف (f)، ق (g)، ک (k)، گ (q)، ل (l)، م (m)، ن (n)، و (v)، ه (h)، ی (y).

مصوت‌های کوتاه: \bar{a} ، \bar{e} ، \bar{o} .

مصوت‌های بلند: \hat{a} ، \hat{e} ، \hat{o} .

ضرورت و سابقه پژوهش

کاوش در ویژگی‌های مردم‌شناسی گسترده کاشمر و حوزه پیرامونی آن (شهرستان‌های بردسکن، خلیل‌آباد، و کوهسرخ)، پیوستگیها و همگونی‌های تنگاتنگ و ژرف اهالی این ناحیه را نمایان می‌سازد؛ همگنی و یگانگی تنگاتنگ در آیینها، باورها، مثلها، حکایتها، افسانه‌ها، گویش و مانند آنها. مردم این ناحیه اکوسیستمی پربار، پویا و همگون مبتنی بر فرهنگ عامه پدید آورده که ریشه در حوزه فرهنگی خراسان کهن و حوزه زبانی فارسی دری دارد. به تعبیر نگارندگان این ناحیه را میتوان «گنجینه فولکلور و گویش اصیل خراسانی» نام نهاد. این ناحیه میراثدار و پاسدار تنومند و توانمند فرهنگ عامه و گویش خراسانی است؛ از اینرو همگرایی و فعالیت‌های پژوهشی مشترک میان مراکز دانشگاهی و پژوهشی این ناحیه، اقدامی ضروری در راستای بهره‌برداری از این توشه و سرمایه بومی کهن و گرانمایه برای توانایی و خودکفایی بیشتر حوزه فرهنگی ایران و زبان فارسی ارزیابی میگردد. با بررسی اجمالی مشخص شد با وجود گنجینه پربار فرهنگ عوام، بویژه امثال و حکم در این منطقه، تا کنون پژوهشی در زمینه مطالعه بیشتر ضرب‌المثل‌های این شهرستان صورت نگرفته است. تنها یک کتاب با عنوان «فرهنگ مردم کاشمر» از علی‌اکبر خلیلی (۱۳۹۰) به فرهنگ عامه مردم کاشمر پرداخته است. در این کتاب ضمن بررسی سنتها، آیینها، باورها و اعتقادات مردم کاشمر، به پیشینه تاریخی و جغرافیایی، اداره‌ها، سازمانها و مراکز علمی شهرستان اشاره شده و زندگی مادی، معنوی و اجتماعی مردم در مباحثی چون ازدواج، بازیها و سرگرمیها و خوراک و پوشاک بررسی شده است. در پایان کتاب نیز گزیده‌ای از لغات، اصطلاحات، فعلها و ضرب‌المثل‌های بومی مردم کاشمر در جدول‌های مجزا آورده شده است. دومین مورد قابل ذکر، پایان‌نامه‌ای است با عنوان «بررسی عناصر فرهنگی در ضرب‌المثل‌های عشایر خراسان رضوی (درگز و باجگیران)» که توسط حمیده روحبخش نافع (۱۳۹۰) به رشته تحریر در آمده است. لازم به ذکر است وب‌سایت‌های محدودی نیز به موضوع ضرب‌المثل‌های شهرستان کاشمر پرداخته‌اند. موارد مذکور بدلیل محدود بودن دامنه پژوهش و فقدان جنبه‌های نیرومند تحلیلی، خلأ موجود را برطرف نکرده‌اند. در این راستا نگارندگان سعی کرده‌اند این موضوع را واکاوی نمایند.

بحث و بررسی

مثلها آینه فرهنگ و اندیشه مردم و حاوی حکمت‌های تجربی آنان هستند که غالباً از دو منبع مهم دینی و ملی نشئت میگیرند. ضرب‌المثلها در میان هر ملت یکی از عناصر مهم زبان و ادبیات آن مردم به شمار میروند و در بردارنده پند و دستورات اخلاقی و اجتماعی مهمی میباشند که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، تأثیرگذارتر از کلام عادی هستند. امثال جزئی از فرهنگ اجتماعی هستند که ریشه در قلمرو فرهنگی و جغرافیای تاریخی سرزمینها و اقوام کهن دارند و میتوانند بعنوان نماد افکار و روحيات و آداب و عادات جامعه، در مسائل فرهنگی و اجتماعی نقش بسزایی داشته باشند. از جمله مضامین تعلیمی و تربیتی که در ضرب‌المثل‌های کاشمری و در واقع فرهنگ شهرستان کاشمر شناخته شده است میتوان به مضامین اخلاقی (اجتماعی و فردی)، مسائل اقتصادی و مالی، و برخی آموزه‌های منفی اشاره کرد. در ادامه به رایجترین ضرب‌المثلها در هر یک از این دسته‌بندیها اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که بخشی از ضرب‌المثل‌های رایج در گویش کاشمری دارای نثر

گفتاری و عامیانه هستند و بخشی نیز بنا به ذوق شعر دوست و اهالی کاشمر، حالت منظوم و شعرگونه دارند و تقریباً موزون و مسجع هستند.

الف) مضامین اخلاقی

در حوزه اجتماع: از پربسامدترین مضامین اخلاقی در حوزه اجتماع در میان ضرب‌المثل‌های کاشمری میتوان به تساهل و تاب‌آوری، دیگرخواهی، نکوهش فریبکاری و ریاکاری، و نکوهش ظاهرپرستی و مدعیگری اشاره کرد. **تساهل و تاب‌آوری:** در ادبیات مربوط به مدارا، از واژه‌های زیادی که معادل واژه لاتین «تولرانس»^۱ هستند سخن میرود. گروهی آن را معادل کلمه «رواداری» میدانند و جمعی دیگر آن را تحمل، و گروهی نیز آن را تسامح و تساهل یا بردباری ترجمه میکنند (ترکاری، ۱۳۸۸: ۱۴۶). در لغتنامه‌های مختلف تساهل به معنای سهل گرفتن، آسان گرفتن بر یکدیگر و به نرمی با یکدیگر رفتار کردن، رواداری و تحمل هر گونه عقیده و رفتار مخالف است؛ اما در اصطلاح اجتماعی، به معنای مدارا کردن و خویشتنداری نسبت به عقاید و رفتارهایی است که ما با آن مخالفیم یا از آن تنفر داریم است. به بیان دیگر مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش و بدون ترس یا خشونت، اعم از فیزیکی یا روانی و حیثیتی گام بردارند. در مجموع میتوان مدارا و تساهل را با مؤلفه‌هایی چون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی و در نهایت کنترل خویشتن و مهار خویشتن در مداخله و مقاومت همراه دانست. مورد ذیل از جمله ضرب‌المثل‌های کاشمری در این زمینه است:

* «از خوردی خیزیدن، از بزرگ بخشیدن»: Az Xordi Xizidan, az bozorgh bexšidan

خوردی: کوچک خیزیدن: لغزیدن؛ خطا کردن

ترجمه: از فرد کوچک اشتباه کردن و از بزرگ بخشیدن.

مفهوم: بزرگ‌ترها باید از خطای کوچک‌ترها بگذرند و البته بخشش نشانه بزرگی و بزرگواری است.

معادل رایج در زبان فارسی: بخشش از بزرگان است.

دیگرخواهی: کمک کردن و تعهد داشتن به افراد و گروه‌های دیگر باعث ایجاد حس همدلی و همبستگی میشود. انسان طبعاً موجودی اجتماعی است و برای سلامت روحی و روانی به برقراری ارتباط با دیگران نیازمند است.

* «چی فقیری بری درد دندو دوايه»: č ey feghiri bereye darde dendo devaya

چی: چای دندو: دندان بری: برای دوايه: دارو است.

ترجمه: چای آدم فقیر درمان دندان درد است.

مفهوم: شایسته است انسان با افراد فقیر و تنگ‌دست حشر و نشر داشته باشد (تا هم به آنها کمک کند و هم روحیه بدهد).

این ضرب‌المثل به زیبایی و ایجاز، مراد و رفت‌آمد با افراد تنگ‌دست را موجب خیر و برکت در زندگی افراد ثروتمند دانسته است. در واقع این مراد و رفت‌آمد به ارتقای حس ارزشمندی و عزت نفس قشر ضعیف جامعه کمک کرده و همچنین فروتنی و خیرخواهی و برکت را نیز در میان طبقه ثروتمند جامعه افزایش میدهد.

¹ Tolerance

همبستگی اجتماعی در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنشهای مشترک است. این همبستگی دارای عواملی است که آن را تهدید یا تقویت میکنند. به بیان دیگر احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه را، که از آگاهی و اراده برخوردار باشند، همبستگی اجتماعی میگویند (آرون، ۱۳۷۲: ۳۴۵). نودوستی یکی از ویژگیهای اخلاقی است که میتواند انسان را رشد و تعالی بخشد. در *واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی* درباره نودوستی اینگونه آمده است: «دگرگویی، غیرخواهی، ایثار. یعنی دیگری را در منفعت و حمایت مقدم داشتن و او را بر خویشتن ترجیح دادن» (دلشاد، ۱۳۹۳: ۱۱).

یکی از مسائل اجتماعی امروز که با توجه به نوع زندگی شهری و آپارتمان‌نشینی اهمیت بیشتری پیدا کرده، بحث روابط با همسایگان است. در اسلام روایات و احادیث زیادی در این باب وجود دارد که میتواند چارچوبی دقیق و مؤثر برای فرهنگ ارتباطات همسایگان باشد. رسول اکرم (ص) در حدیثی میفرماید: «همیشه جبرئیل مرا و صیت به همسایه میکرد تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث میبرد» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۱۵۱). این حدیث در قالب ضرب‌المثلی در فرهنگ کاشمر نیز جلوه‌گر شده است:

* «همسایه از همسایه ارث مبره» *Hamsāya az hamsāya ers mobrā*

ترجمه: همسایه از همسایه ارث میبرد.

مفهوم: همسایه‌ها را در حلقه بستگان قرار میدهد و به رعایت حال آنها توصیه میکند.

در واقع این ضرب‌المثل ریشه‌ای مذهبی دارد و اگر شخص با حدیث مذکور آشنایی نداشته باشد، ممکن است در وهله اول ارث بردن همسایگان از یکدیگر را باور کرده یا از شنیدن آن تعجب کند. «در واقع ضرب‌المثلها گنجینه‌ای هستند که هم در بازنمایی هویت دینی و هم در نهادینه کردن هویت آن، نقش مهمی بر عهده دارند» (رضایی و ظاهری عبدوند، ۱۳۹۷: ۲۲۶). میتوان گفت بخش وسیعی از دانش متعارف جامعه ایران که قابلیت برانگیختن مفاهیم را دارد به مذهب و اعتقادات دینی مربوط میشود. فرض بر این است که این مفاهیم گسترده دینی مبنای بسیاری از اصطلاحات رایج زبان فارسی بویژه ضرب‌المثلها قرار گرفته‌اند (ملاکی و فیاض، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

نکوهش فریبکاری و ریاکاری: دو مسئله مهمی که در میان ضرب‌المثلهای کاشمیری بسیار مورد توجه و نکوهش قرار گرفته است «دورویی» و «حیله‌گری» است. این امر میباید دارای ریشه فرهنگی و اجتماعی باشد که لازمه درک و بررسی آن، انجام پژوهشهای جامعه‌شناسانه و روانشناسانه در این زمینه است. یکی از ضرب‌المثلهایی که به این مضمون اشاره دارد ضرب‌المثل ذیل است:

* خَرَشِ کَلکِ بارِ دَرَه // خَرَشِ فَرِبِ بارِ دَرَه: *Xareš kelak bar dara // Xareš fereb bar dara*

فرب: فریب؛ کلک

ترجمه: خرش کلک بار دارد // خرش فریب بار دارد.

مفهوم: قصد فریبکاری دارد.

* اَسبِ دَهَنَه کِرْدَ بُرْدَ، خَرِ به جَاشِ اَوْرَدَ: *Asbe dahana kerda borda Xare be jāš avorda*

دَهَنَه: افسار؛ لگام

ترجمه: اسب را لگام بسته برده، ولی خر را به جای اسب آورده است.

مفهوم: کسی که جنس اصل را میبرد و بدل آن را پس می‌آورد.

همانطور که مشاهده میشود، در این دو ضرب‌المثل از حیوانات بارکش استفاده شده است که احتمالاً تحت تأثیر فرهنگ دامداری و کشاورزی در این منطقه است.

*پری حق گوشتش، میزنه ور تخت پوشتش. **Berey haghe ghoosteš, mezna wer taxte poošteš**
پری: برای میزنه: میزند تخت پوشتش: پشت
ترجمه: برای سهم گوشت به پشتش میزند (به پشت زدن: کنایه از زنجیر زدن در ماه محرم).
مفهوم: نکوهش ریاکاری در دینداری.

در این ضرب‌المثل، ریاکاری و منفعت‌طلبی در امور دینی نهی شده است. این ضرب‌المثل میتواند ریشه در جدیت و شهرت این شهر در برگزاری مراسم عزاداری محرم داشته باشد. در این شهر که بدلیل صیغه و سابقه مذهبی به «نجف ثانی» معروف است، در ماههای محرم و صفر مراسم متنوع و متعددی برگزار میشود.
نکوهش ظاهر پرستی و مدعیگری: ضرب‌المثلهایی با تأکید بر توجه به ویژگیهای درونی و شخصیتی و تکیه نکردن به ویژگیهای ظاهری و بیرونی در میان ضرب‌المثلهای کاشمری دارای فراوانی نسبی است که به مواردی از آنها اشاره میشود.

*پلو آوزه دَرَه، قروتی میزَه دَرَه. **Polow avaza dara, ghorooti mezza dara.**
آوزه: آوازه؛ شهرت قروتی: نوعی غذای محلی که با کشک تهیه میشود.
ترجمه: برنج آوازه دارد و قروتی مزه دارد.

مفهوم: نباید بر اساس شهرت و ادعا قضاوت کرد.

*درخت باغ مُردَم، فش فش بادش از تویه. **deraXt e bâgh e mordom, feš feše badeš az toya.**
فش فش: صدای باد (نام آوا) مُردَم: مردم تویه: تو است
ترجمه: درخت برای باغ مردم است و صدای بادش از توست.
مفهوم: سرمایه و دارایی متعلق به دیگران است اما تو ادعای آن را داری.

*یک بز دِ گلَه دَرَه، هَمَر مِسغَرَه دَرَه. **yak boz de gela dara hamar mesghera dara.**
د: در هَمَر: همه را مِسغَرَه: مسخره دَرَه: دارد
ترجمه: یک بز در گله دارد، همه را مسخره میکند.
مفهوم: ادعای فراوان و دارایی اندک داشتن

در حوزه فردی: در ادامه به نمونه‌هایی از ضرب‌المثلهای کاشمری در حوزه اخلاق فردی اشاره میشود.

اتکا به نفس و خودباوری: خودباوری یا اعتماد به نفس یکی از شرایط روانی است که شخص در آن بخاطر تجربه‌های قبلی، به تواناییها و استعدادهای خود در موفقیت انجام کارها بطور موفقیت‌آمیز اعتماد و باور دارد. اعتماد به خویشتن نقش حیاتی در توسعه و پیشرفت و موفقیت‌های فرد ایفا میکند. ضرب‌المثل رایج در این باب که بسیار از زبان مردم کوچه و بازار کاشمر شنیده میشود بدین شرح است:

*ور دِسْمَیَه تِنگا کُ، نه ور هَمَسَیَه تِ **ver desmāyat neqâ ko ne ver hamsāyat**
دِسْمَیَه: دستمایه، دارایی

ترجمه: نگاه به داراییت کن نه به همسایه‌ات.

مفهوم: باید ظرفیتها، تواناییها و استعدادهای خویش را بشناسی و به آن تکیه کنی و در انتظار دیگران نباشی (متکی به نفس باش).

صبر و عدم شتابزدگی: شتابزدگی در زندگی یا عجله در انجام کارها، حالتی است که بمجرد خطور امری در ذهن، بیدرنگ و بدون تأمل نسبت به آن اقدام کنیم و با شتاب آن را انجام دهیم. حضرت علی (ع) درباره عواقب شتابزدگی میفرمایند: «بر تو باد دوری از عجله و شتابزدگی که این حالت، بیرق همیشه برافراشته و نماد تمامنمای فرصت‌سوزی، از دست دادن کارها و پشیمانی نسبت به فرصتهاست» (عاملی، ۱۳۶۷: ج ۲۷، ۱۶۹). یکی از مثل‌های رایج در این زمینه:

«بَشَه بَشَه خَلَه خَدِیجَه خَمَدُم به سَر درِیچَه» است. Baša baša Xale Xedija, Xamadom be sar deriča

بَشَه: باشد خَلَه: خاله خَمَدُم: خواهم آمد

ترجمه: باشه باشه خاله خدیجه می‌آیم به سر دریچه.

مفهوم: صبر در همه امور

تأمل در سخن گفتن: ضرب‌المثل ذیل به اهمیت چه گفتن و چگونه سخن گفتن تأکید دارد و البته رازداری و سکوت:

* پستَه لَق دِ دَهَنِش شِکِسْتَه. Pestey lagh de dahaneš šekesta.

پستَه لَق: پسته خندان د: در

ترجمه: پسته لَق در دهانش شکسته است.

مفهوم: حرفی از دهانش بیرون آمده که به ضرر خودش تمام شده است.

حیا و خویشتنداری: ضرب‌المثل ذیل بر اهمیت حیا و آبرو و خویشتنداری تأکید میکند:

* حیا رِ دِ حَیْطِ کَرْدِه دَرِش کُلُوخِجِی. Hayâr de hayat kerda, dareš kolokh či.

حیا ر: شرم و حیا را د: مخفف در حَیْط: حیاط دَرِش: مخفف درش را کُلُوخِجِی: دیوار کلوخی

ترجمه: حیا را در حیاط کرده است و درش را با سنگ و کلوخ بسته است.

مفهوم: بیحیایی و بیشرمی را به حد رسانده است.

ب) مفاهیم مالی و اقتصادی: نکته جالب توجه در میان ضرب‌المثل‌های کاشمیری نگاه بسیار منفی و تحقیرآمیز به فقر است و در مقابل آن توصیه به کار و تلاش. به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره میشود.

* تَنِ که باد بُخُورَه خَاکِ نِمُخُورَه. Tane ke bad boxora, Xak nemexora.

بُخُورَه: بخورد نِمُخُورَه: نمیخورد

ترجمه: تنی که باد بخورد، خاک نمیخورد.

مفهوم: کسی که در آسایش و رفاه زندگی کرده است از پس کار و تلاش بر نمی‌آید.

* پَل بکو گریه گریه، او بگير خنده خنده. Pal book gerya gerya, ow beghir Xenda Xenda.

پَل: پشته؛ دیوار کوچک اطراف کرت و زمین کشاورزی بکو: بکن او: آب

ترجمه: زمین کشاورزی را با گریه کرت‌بندی کن و با خنده آبیاری کن.

مفهوم: در ابتدای امر تلاش کن و جدیت به خرج بده تا در پایان به راحتی برسی و از نتیجه زحمات بهره ببری.

* گوکُش گو مُکَشَه، کُلَاغَجَه روزگار بی مِتَه. Gowkoš gow mokša, kolaghaja rozegar bey meta.

گوکُش: گاوکش مُکَشَه: میکشه کُلَاغَجَه: کلاچه، زاغچه بی دادن: به باد دادن، از دست دادن مِتَه:

میدهد

ترجمه: گاوکش گاو میکشد، زاغچه روزگار را به باد میدهد.

مفهوم: قدر امکانات و دارایی‌ها را ندانستن و آن را هدر دادن.

* پول تُر پیدا نِمَنَه، تو پول رِ پیدا مِنی. Pol tor peyda nemena, to poler peyda meni.

تُر: مخفف تو را نِمَنَه: نمیکند مِنی: میکنی

ترجمه: پول تو را پیدا نمیکند؛ تو باید پول را پیدا کنی.

مفهوم: برای رسیدن به ثروت باید زحمت بکشی.

* تَه خَنَه گرگ بی آستخو نِرمَه نِمرَه. Ta Xaney gorg bi astexo nerma nemera.

تَه: داخل خَنَه: خانه آستخو: استخوان نِرمَه: ریزه نِمرَه: نمیشود

ترجمه: خانه گرگ بدون استخوان ریزه نمیشود.

مفهوم: ۱- هنوز در خانه به اندازه کافی آذوقه است. ۲- کسی که به حرفه‌ای مشغول است از ابزار کارش در

خانه‌اش زیاد پیدا میشود.

* آدم فقیر نه چیز، نه جی چیز. Adame feghir ne čiz, ne jey čiz.

نه: نه جی: جای

ترجمه: آدم فقیر نه چیزی دارد و نه جای چیزی.

مفهوم: آدم فقیر نه مال و اموالی دارد و نه جایگاهی در بین مردم.

* آگه خر نِذری به خر نِمرزی. Age Xar nedari, be Xar nemerzi.

نِذری: نداری نِمرزی: نمیرزی

ترجمه: اگر خر نداری، به یک خر نمیرزی.

مفهوم: ارزش آدم به اندازه دارایی اوست.

* گدا چه دهه، گُوشنه چه خوره؟ Godâ če daha, goošna če Xora.

دهه: دهد گُوشنه: گرسنه

ترجمه: گدا چه دهد، گرسنه چه خورد؟

مفهوم: شخص ناتوان و نداری که کاری از دستش بر نمی‌آید.

معادل رایج در زبان فارسی: کل اگر طیب بودی سر خویش دوا نمودی.

(ج) **آموزه‌های منفی:** برخی از عاداتهای ناپسند یا آموزه‌های ناصواب فرهنگی از طریق مثلها در زبان ساری و

جاری میشوند. این کارکرد ضرب‌المثلها را میتوان آموزه‌های منفی آنها دانست. شوخی ریشخندگونه با سرزمینها

و اهالی هر سرزمین یا اقوام و قبایل، برخورد با دیگری دینی و اعتقادی، تحقیر برخی وضعیتهای جسمانی،

ریشخند برخی نقشهای خانوادگی و بویژه نقشهای زنانه، تقدیرگراییهای کاملاً منفعلانه، توجیه خوبیهای ناپسندی

چون خودرأیی و شوخی تمسخرگونه با برخی نامهای خاص و نظایر این آموزه‌های منفی را در مثلهای فارسی

میتوان دید (سپاهی، ۱۴۰۲: ۲۹). در ضرب‌المثلهای کاشمری نیز برخی از این موارد دیده میشود:

تأکید بر خودخواهی و منفعت‌طلبی: ضرب‌المثل ذیل که در فارسی معیار نیز دارای معادل است، بر خودخواهی و منفعت‌طلبی تأکید دارد:

*چاهه که نیه د او پری ما رنگ، چه سرش و ا بَشَه، چه تَخْتِه سنگ

č ahe ke niya berey ma range, če sareš va baša, če teXte sange

کلمات: نیه: نیست د او: در او پری: برای رنگ: آب و رنگ و ا: باز بَشَه: باشد

ترجمه: چاهی که نیست در او برای ما آب و رنگی، چه سر آن باز باشد، چه تخته‌سنگی.

مفهوم: سود و زیان دیگران به من چه ارتباطی دارد؟ باید در فکر تأمین و تدارک منافع و مصالح خویش بود و لاغیر.

معادل رایج در زبان فارسی: دیگری که برای ما نجوشد، سر سگ در آن بجوشد.

گلایه و انتقاد از وابستگیان: مضمون منفی دیگر گلایه از افراد خانواده و وابستگیان درجه یک است. این ضرب‌المثلها به این اشاره دارند که افراد از خانواده خود خیر و نیکی نمیبینند.

از او چَشْمُم چی دیدم که از خِلّ بینیم، ببینم. Az ow čašmom či didom, ke az Axelle binim bebinom.

او: آب خِل: آب دماغ

ترجمه: از آب چشمم (اشک چشمم) چه دیدم که از آب بینیم ببینم.

مفهوم: از آشنایان خیری به شخص نمیرسد چه برسد به بیگانگان.

*برار مار بَشَه هزار بَشَه. Berar mar baša, hezar baša.

برار: برادر بَشَه: باشد.

ترجمه: برادر مثل مار باشد ولی هزار باشد.

مفهوم: برادر هرچه بیشتر باشد بهتر است حتی اگر یار و یاور نباشد (اتکا به انتسابهای خونی).

ضرب‌المثل فوق شاید در نگاه نخست در تأیید برادر و برادری باشد، اما با اندکی تأمل مشخص میشود ظاهراً در لایه عمیق فرهنگی این عبارات، برادر یاریگر و با نقش مثبت کمتر حضور دارد اما با وجود این بر همان نیز باید تکیه کرد و چاره‌ای جز این نیست. از سویی دیگر میتوان نگاه جنسیتی تبعیض‌آمیز را در این ضرب‌المثل احساس نمود که تأکید بر برادری است و نه خواهری.

د) ضرب‌المثلهایی با بار معنایی ناامیدکننده و اعتراض‌آمیز: موضوع قابل توجه در بررسی محتوایی ضرب‌المثل‌های رایج در شهرستان کاشمر این نکته را به ذهن متبادر میسازد که بسیاری از این مثلها درباره مضامین منفی، گلایه‌آمیز، ناامیدانه و غم‌انگیز ساخته شده و به کار میروند. البته که بررسی و تحلیل علت یا علت‌های این امر از حوصله این جستار خارج است و میبایست مورد بررسی‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی در حوزه فرهنگ قرار بگیرد.

از جمله پربسامدترین مضامین در این حوزه میتوان به کتک خوردن، دچار موقعیتهای بسیار بد شدن، غمگین بودن و اشک ریختن، از امکانات خود بی‌نصیب ماندن و زیر دین بیپوده رفتن اشاره کرد.

*بارشِه آرد کِرْدَن. Bareše ârd kerdan.

بارشیه: بارش را کردن: کردند

ترجمه: بارش را آرد کردند.

مفهوم: بشدت کتک خورد و استخوانهایش را نرم کردند.

*از خاک و رخیسته، دِ خَکِستَر نیشسته. Az Xak var Xesta, de Xakestar nešesta.

و رخیسته: برخاسته و ر: د: در خَکِستَر: خاکستر

ترجمه: از خاک برخاسته، در خاکستر نشست.

مفهوم: از موقعیتی بدی به موقعیت بدتری دچار شدن.

معادل رایج در زبان فارسی: از چاه درآمدن و به چاله افتادن.

*تا دل دِ غم نگرده، دیده دِ نم نگرده. Ta del de gham negerda, dida de nam negerda.

د: در نگرده: نگردد

ترجمه: تا دل غمگین نگردد، چشمها گریان نشوند.

مفهوم: غم و غصه بیدلیل نیست.

*تنور ما! دِگدون ما! پُوشِت پَرهنه نون ما. Tenore ma! Degdone ma! pošte berehna noone

ma.

دِگدون: دیگدان؛ اجاق پوشت: پشت

ترجمه: تنور مال ما! اجاق مال ما! ولی پشت ما برهنه است (سهمی از نان نداریم).

مفهوم: امکانات متعلق به ماست، اما دیگران از آن سود میبرند و خودمان بی نصیب مانده‌ایم.

*چینر جال مُخُورَه، تَه کِلّ گیر کِرک. činar jal moxora, ta keleghir kerrak.

چینر: مخفف چینه را (غذای پرنده را) جال: نوعی پرنده تکیگی: تو سری کِرک: بلدرچین

ترجمه: دانه را جال میخورد تو سری را بلدرچین.

مفهوم: سود و منفعت کاری یا چیزی نصیب کسی بودن ولی منت آن بر گردن کس دیگری بودن.

نتیجه‌گیری

گوش محلی مردم شهرستان کاشمر مانند همه گویشها یا لهجه‌های محلی دارای ویژگیهایی است که نمونه‌ای از آن، ضرب‌المثلهایی است که میان مردم متداول هستند. هر کدام از این ضرب‌المثلهای دارای دنیایی از ذوق و اندیشه و حسن تعبیر در ادای مقصود است و معادلهایی در زبان فارسی دارند. از نظر مضمونی در امثال فارسی معیار و گویش کاشمری شباهتهای بسیاری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش مؤید آنند که شکل غالب ارزشهای مورد توجه مردم کاشمر که در ضرب‌المثلهای بازنمود شده‌اند در چهار سطح اخلاقی اجتماعی و فردی، مسائل و مضامین اقتصادی، آموزه‌های منفی اخلاقی، و ضرب‌المثلهایی با بار معنایی ناامیدکننده و اعتراض‌آمیز قابل بررسی است. نتایج تحقیق بیانگر بازنمود نوعی منش اجتماعی است که به تساهل و تاب‌آوری، دیگرخواهی، نکوهش فریبکاری و ریاکاری، نکوهش ظاهرپرستی و مدعیگری، اتکا به

نفس و خودباوری، صبر و عدم شتابزدگی، تأمل در سخن گفتن، حیا و خویش‌تنداری باورمند است. در زمینه مسائل اقتصادی نیز دو موضوع اهمیت تلاش و کار، و نکوهش فقر بیش از همه به چشم می‌خورد. آموزه‌های منفی نیز به دو دسته اصلی تأکید بر خودخواهی و منفعت‌طلبی، و گلایه و انتقاد از وابستگی تقسیم می‌شود. لازم به ذکر است فضای اغلب این ضرب‌المثلها مثبت، شاد و امیدبخش نیست که بررسی علت و ریشه‌های آن به پژوهش‌های جامعه‌شناسانه و روانشناسانه نیازمند است.

همچنین ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندی نسبی بسیار بیش از خویشاوندی سببی و ناتنی است و ضرب‌المثل‌های مربوط به مردان بیش از زنان است. همچنین حیوانات دامی مانند خر، گاو، و گوسفند نیز بعلاوه زمینه دآمداری و کشاورزی در شهرستان کاشمر، در بافت ضرب‌المثل‌های آن حضور دارند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد استخراج شده است. آقای دکتر رضا مهربان قزلحصار راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حمید زنده‌دل بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر جواد مهربان قزلحصار به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Aron, Raymond. (1993). Basic stages of thought in sociology, translated by Bagher Parham, Tehran: Scientific and Cultural.
- Delshad, Shabahang. (2013). Altruism, Tehran: Pandar Taban.

- Horr Ameli, Mohammad Bin Hasan. (1991). *Vasael Al-Shia*, Volume 27, Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him, Ehya al-Torath.
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1996). *Bihar al-Anwar*, translated by Mohammad Baqer Behboodi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Masoumi, Mohsen and Rahiminejad, Vida. (2012). "Women and Gender Proverbs" *Persian Language and Literature* (11) 4, pp. 135-158.
- Melaki, Zohre and Fayyaz, Mokhtar. (2015). "Investigation of the metaphorical foundations of religious-religious proverbs" *Persian Literature Chronicle* (3) 7, pp. 111-130.
- Rezaei, Hamid and Zaheeri Abdvand, Ibrahim. (2017). "Religious identity in Bakhtiari proverbs" *Popular Culture and Literature* (21) 6, pp. 226-251.
- Sepahi, Mohammad Akbar. (2023). "Negative teachings in Persian proverbs" *Popular Culture and Literature*, (52) 11, pp. 29-61.
- Terkarani, Mojtaba. (2009). "Reviewing and measuring the state of social tolerance in Lorestan". *Sociology of Iranian social issues*, (3) 13, pp. 133-159.
- Zarinkoub, Abdul Hossein. (1978). *Notes and Thoughts*, Tehran: Javidan.
- Zulfiqari, Hassan and Tabatabai, Seyyed Mehdi. (2014). "The use of Persian proverbs in Bidel's poetry" *Adab Persian* (2) 5, pp. 57-76.

فهرست منابع فارسی

- آرون، ریمون (۱۳۷۲). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ترکرانی، مجتبی. (۱۳۸۸). «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان». جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، (۳) ۱۳، صص ۱۳۳-۱۵۹.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۳۷۰). وسایل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، جلد ۲۷، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- دلشاد، شباهنگ. (۱۳۹۳). نودوستی، تهران: پندار تابان.
- ذوالفقاری، حسن و طباطبایی، سیدمهدی (۱۳۹۴) «کاربرد ضرب‌المثل‌های فارسی در غزلیات بیدل» ادب فارسی (۲) ۵، صص ۵۷-۷۶.
- رضایی، حمید و ظاهری عبدوند، ابراهیم (۱۳۹۷) «هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری» فرهنگ و ادبیات عامه (۲۱) ۶، صص ۲۲۶-۲۵۱.
- زرینکوب، عبدالحسین. (۱۳۵۷). یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، تهران: جاویدان.
- سپاهی، محمداکبر (۱۴۰۲) «آموزه‌های منفی در ضرب‌المثل‌های فارسی» فرهنگ و ادبیات عامه، (۵۲) ۱۱، صص ۲۹-۶۱.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۵). بحارالانوار، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

معصومی، محسن و رحیمی‌نژاد، ویدا (۱۳۹۱) «زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی» زبان و ادب فارسی (۱۱) ۴، صص ۱۳۵-۱۵۸.

ملاکی، زهره و فیاض، مختار (۱۳۹۵) «بررسی مبانی استعاره‌ی ضرب‌المثل‌های دینی - مذهبی» کهن‌نامه‌ی ادب پارسی (۳) ۷، صص ۱۱۱-۱۳۰.

معرفی نویسندگان

حمید زنده‌دل: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(Email: Hamidzendedel4@gmail.com)

(ORCID: 0009-0000-9029-6455)

رضا مهربان قزلحصار: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(Email: Rezamehraban16@gmail.com : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-6680-0786)

جواد مهربان قزلحصار: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(Email: drjmehraban@mshdiau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4604-7165)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Hamid Zendedel: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Email: Hamidzendedel4@gmail.com)

(ORCID: 0009-0000-9029-6455)

Reza Mehraban Ghazalhesar: Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Email: Rezamehraban16@gmail.com : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-6680-0786)

Javad Mehraban Ghazalhesar: Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Email: drjmehraban@mshdiau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4604-7165)